

ان.ال.پی

اهداف از نظر اولویت، به ۲ دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱) اولویت‌بندی از نظر شدت زمانی

■ **اهداف مهم و فوری:** اهدافی هستند که باید خیلی سریع و در کم‌ترین زمان ممکن به نتیجه برسند؛ در غیر این صورت، خللی در زندگی ایجاد خواهند نمود؛ به طور نمونه اگر قسط بانک را ۳ ماه است که نپرداخته‌اید، این هدف در دسته‌ی اهداف مهم و فوری قرار می‌گیرد.

■ **اهداف مهم اما غیر فوری:** اهداف مهم اما غیر فوری مانند ازدواج در سنین بالا، گرفتن دیپلم در سال آخر دبیرستان، خرید یک وسیله‌ی منزل تا چند ماه آینده، ثبت‌نام فرزندان مان برای ترم‌های آینده در دانشگاه، آموزش و شروع یادگیری یک مطلب علمی، ورزشی یا هنری و... همگی جزو اهداف مهم اما غیر فوری هستند زیرا زمانی که برای رسیدن به اهداف نیاز دارید، از یک‌ماه تجاوز نموده اما به یک‌سال نمی‌رسد و در نهایت در یک بازه‌ی زمانی ۶ تا ۹ ماهه می‌خواهید به آن‌ها برسید.

■ **اهداف نه فوری و نه مهم:** گرفتن مدارک تحصیلی بالا، تغییر شغل حرفه‌ای، مهاجرت به کشورهای دیگر، کسب مقام و حرفه در ورزش، ایجاد اشتغال و کارآفرینی و... را می‌توان در زمره‌ی اهداف نه مهم و غیر فوری نام برد اما به هر حال، هدف هستند و باید به آن‌ها رسید اما در درازمدت.

۲) اولویت‌بندی از نظر وابستگی

■ **اهداف فردی:** مانند قبولی در کنکور، ازدواج

■ **اهداف خانوادگی:** مانند تغییر منزل مسکونی، تربیت فرزندان

■ **اهداف حرفه‌ای:** مانند کسب مقام اول کنکور، نفر اول شدن در مسابقات ورزشی و یا هر نوع هدفی که علاوه بر پیشرفت اجتماعی و کسب رزق و روزی حلال، یک لذت وصف‌ناشدنی درونی را به همراه داشته باشد.

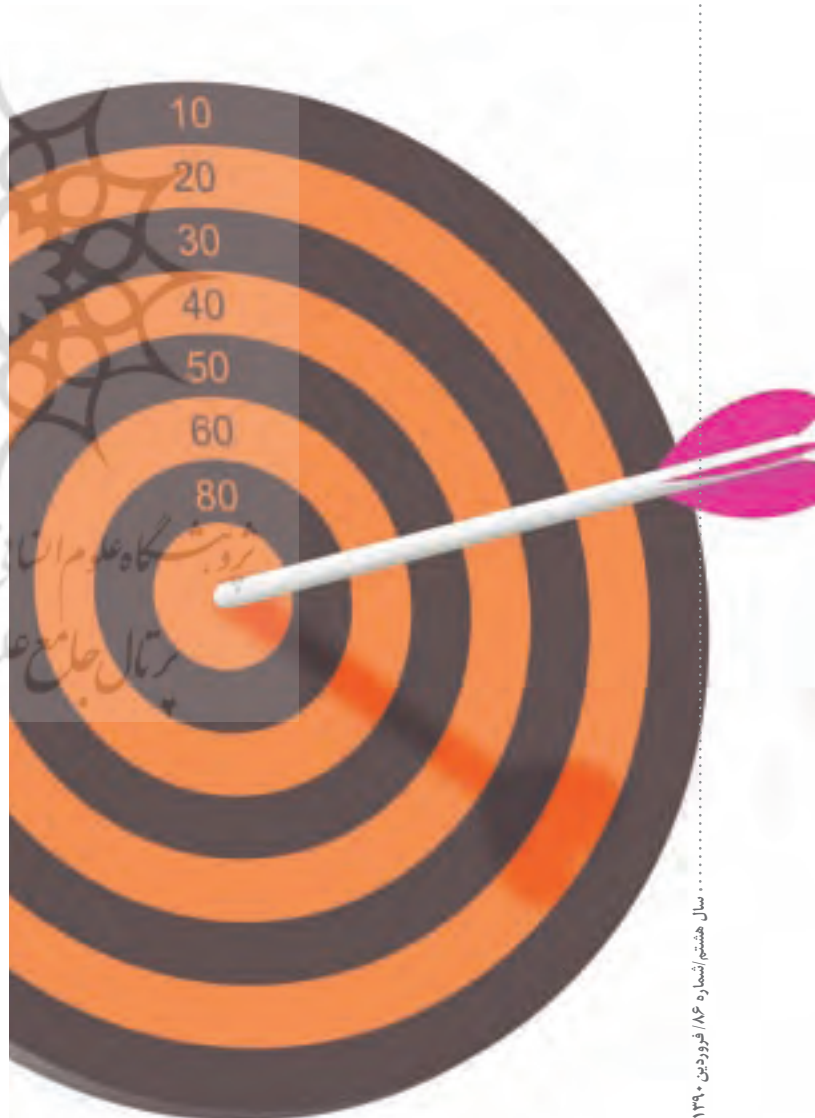
اهداف را باید به مراحل کوچک‌تر تقسیم‌بندی نمود:

هدف‌ها در زندگی انسان باید خلق شوند و هر آن چیزی که نیازمند خلق‌اش باشیم، باید مرحله‌ی را برای ایجاد آن طی نماییم. در سیستم طبیعت، زمانی «خلق» صورت می‌گیرد که مراحل ایجاد یک هدف، پشت‌سر هم و در یک جهت شکل‌گیرند که هر چه این مراحل، کوچک‌تر شوند، دسترسی و خلق آن‌ها، بسیار سریع‌تر و دلپذیرتر خواهد بود.

«خداوند عالم نیز جهان را در یک شب خلق نمود؛ پس چطور ممکن است من بتوانم دنیای خود را یک‌شبه تغییر دهم؟!»
هرچقدر مراحل بیش‌تر و دقیق‌تر باشند، سرعت دست‌یابی به آن‌ها به مراتب بیش‌تر خواهد بود.

یک پازل ساده، بدون درکنار هم قرار دادن اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن، هرگز تکمیل نخواهد شد. برای بالا رفتن از پلکان ساختمانی در تاریکی، باید آهسته‌آهسته تک‌تک پله‌ها را طی کنیم تا به بالای ساختمان و هدف خود برسیم. تنها کسی موفق است که بتواند این پله‌ها را مرحله‌به‌مرحله

ان.ال.پی در اصول و قوانین هدف‌سازی





پارسی را پاس بداریم

آنچه فرهنگ ما را زنده نگاه داشته، زبان مادری مان است؛ پس تلاش کنیم زبان مادری خود را زنده نگاه داریم و تا می‌توانیم از واژه‌های زبان خودمان بهره ببریم و با آن‌ها گفت‌وگو کنیم و بنویسیم.

به جای به‌زعم بگویید به باور

به جای جلال بگویید دژخیم

به جای مقارن بگویید هم‌زمان - هم‌هنگام

به جای عقب‌نشینی بگویید واپس‌نشینی

به جای پستیچی بگویید نامه‌رسان

به جای معذوریت بگویید تنگنا

به جای باعث عبرت بگویید مایه‌ی پند

به جای اساس‌نامه بگویید بنیادنامه

به جای ارکان بگویید پایه‌ها

به جای در‌انظار عمومی بگویید پیش‌دیده‌ی همگان

به جای دکوراسیون منزل بگویید خانه‌آرایی

به جای زکام بگویید سرماخوردگی

به جای چراغ‌قوه بگویید چراغ‌دستی

به جای تخلیه بگویید تهی‌سازی

به جای پرتحمل بگویید پرتاب

به جای تحصن کردن بگویید بست‌نشستن

به جای رئیس خانواده بگویید سرپرست خانواده

به جای کمالات بگویید شایستگی‌ها

به جای رئوس مطالب بگویید سرنوشتارها

به جای عرضه و تقاضا بگویید داد و خواست

به جای عقب‌ماندگی بگویید واپس‌ماندگی

به جای حيله‌گر بگویید فریب‌کار

به جای فوق‌برنامه بگویید فراب‌نامه

به جای مفرح بگویید دلگشا

به جای مقیاس بگویید پیمانہ

به جای احسان بگویید نکویی

به جای لاجرم بگویید خواه‌ناخواه

به جای قصیده بگویید چکامه

به جای رادیوترایی بگویید پرتودرمانی

به کوشش سایت ایرانیان بلژیک

طی کند. کسی که منتظر روشنایی‌ست، شاید هرگز روشن نشود و یا کسی که فقط نظاره می‌کند و می‌خواهد با یک یا دو قدم، کل پله‌ها را طی کند، مسلم است که به هدف نخواهد رسید؛ این قانون، همان مثل «آهسته و پیوسته» است.

هدف باید دارای بازه‌های زمانی قابل دسترسی و منطقی باشد:

قوانین حاکم بر طبیعت زندگی، حکم می‌کند که تمامی انسان‌ها، تابع کمیت‌های زمان و مکان باشند و طبق قوانین فیزیک، حرکت زمانی معنا پیدا می‌کند که زمان و مکان وجود داشته باشد. تابع زمان و مکان، از کمیت‌های بسیار مهم و تأثیرگذار در زندگی ما انسان‌هاست؛ تا جایی که هر فردی هنگام هدف‌گذاری، اولین سؤالی که به ذهنش خطور می‌کند، این است که:

«من چه موقع می‌توانم به هدفم دست پیدا کنم؟»

حال برای این که بتوانید از طبیعت و نیروهای حاکم بر آن و هم‌چنین نیروی عظیم «ضمیرناخودآگاه» خود در راستای رسیدن به اهداف، در یک زمان مشخص و حتی زودتر استفاده نمایید، لازم است برای ذهن خود تعریف کنید که این هدف باید تا چه تاریخی خلق شود؟ به هر حال، یک انسان دیپلم می‌گیرد، شغلی پیدا می‌کند، شاید در آینده ازدواج کند و شاید فرزندی را به دنیا بیاورد اما تفاوت انسان‌های هدفمند و بی‌هدف، این است که هدفمند می‌داند تا چه زمانی دیپلم می‌گیرد، سر چه کار و شغلی در چه تاریخی مشغول می‌شود و در چه تاریخی ازدواج نموده و چه زمانی هم بچه‌دار می‌شود اما فرد بی‌هدف، هرگز از چنین زمانی آگاهی ندارد و فقط مدام می‌گوید: «هر وقت خدا بخواهد.» این را بدانید که خداوند متعال، آن چیزی را برای شما می‌خواهد که خود شما بخواهید و پس از خواست و تلاش شماست که خداوند تصمیم به اجرا و عدم اجرای آن خواهد گرفت.

وقتی برای اهداف خود، زمان تعیین می‌کنید:

۱) برای خود «تعهد» ایجاد می‌نمایید. ۲) ضمیرناخودآگاه‌تان به‌عنوان یک واقعیت و با توجه به درک از زمان، شما را در راستای رسیدن به اهداف‌تان در زمان مقرر، برنامه‌ریزی خواهد نمود؛ در غیر این صورت، ضمیرناخودآگاه قادر به تشخیص زمان نیست و به‌همین دلیل است که می‌بینید سال‌ها تلاش کرده و زحمت کشیده‌اید اما به هدف‌های خود دست‌نیافته‌اید!



استاد امیرحسین غروی

فارغ‌التحصیل در ان.ال.پی - هیپنوتیزم اریکسونی و اناگرام